

بسمه تعالی

مصاحبه سیدحسین شرف الدین با جناب قدسی از پژوهش گران موسسه صراط مبین، با موضوع «آسیب شناسی فرهنگ
ایثار و شهادت در جامعه»، ۹۹/۴/۳۱

مقدمه جناب قدسی

طبق بررسی های اولیه مشخص شد که روحیه ایثار و شهادت در حال حاضر در جامعه تضعیف شده است. پژوهش ها نشان می دهند که جامعه به ویژه جوانان در حال دور شدن از فرهنگ ایثار و شهادت هستند؛ ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جهان فعلی و وضعیت داخلی ایران از همه جوانب دارای موانعی است که در این پژوهش ها به آن ها اشاره شده است. مهم ترین موانعی که پژوهش های مختلف بر آن تأکید نمودند را می توان چنین دسته بندی کرد:

مهم ترین موانع فرهنگی ذکر شده در واحدهای مورد بررسی شامل ۱- قانون گریزی و آزار دیگران، ۲- آسیب های اجتماعی در جوانان و تهاجم فرهنگی و ۳- رفاه زدگی، مصرف گرایی و تجمل گرایی مسئولان و مردم جامعه عنوان شده است.

مهم ترین مانع اقتصادی تورم بسیار بالا و گسترش فقر در جامعه است که در مقابل ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه قد علم نموده است.

مهم ترین عامل سیاسی نیز چالش ها و مناقشات سیاسی در جامعه که به نوعی نشئت گرفته از سیاست بی اخلاقی در میان مسئولان است شناخته شده است.

در حوزه بین الملل، مهم ترین مانع، ارائه چهره موهون و خشن از اسلام و کم رنگ نمودن ارزش های اسلامی شناخته شده است.

مهم ترین عوامل حاکمیتی که هر کدام بیش از ۴ بار تکرار شده اند، عبارت اند از: ۱- عملکرد ضعیف برخی از مسئولان و مدیران جامعه در این ترویج؛ ۲- عدم همکاری و هماهنگی میان سازمان ها و مدیران و تأکید بر بقای خود، شناخته شده است.

(۱) علل و عوامل تضعیف روحیه ایثار و شهادت در جامعه کدامند و به نظر شما مهم ترین عامل چیست؟

شاید مناسب باشد واژه ایثار (به معنای فداکاری، از خودگذشتگی و تقدم دیگران بر خود در داشته های مختلف) را از شهادت (کشته شدن یا آرمان کشته شدن در راه خدا) جدا کنیم چون ایثار گستره معنایی وسیع تری دارد و شامل ایثار مال، وقت، آبرو و... نیز می شود و این تنها ایثار جان است که با شهادت قرابت مصداقی و بلکه این همانی دارد. از سوی دیگر، توصیه و ترغیب به ایثار (ایثار غیر جان)، جاذبه عمومی دارد و اهمیت و اولویت آن نزد همگان محرز است اما توصیه (هرچند غیر مستقیم) به شهادت تنها برای خواصی از مومنان که از بند تعلقات این جهانی رهیده باشند، پذیرفتنی و اجابت شدنی است. بزعم من علل و دلایل ذیل در تضعیف این روحیه موثر بوده اند:

تغییر شرایط کشور و کاهش زمینه های محیطی و ساختاری موثر در بالندگی و تقویت این روحیه و فرهنگ در سطح عموم، کاهش نیاز به مشارکت نیروهای بسیجی و داوطلب به دلیل افزایش نیروهای استخدامی و رسمی (نیروهای نظامی) (اعم از سپاه و ارتش) و انتظامی و تامین نیازهای مرزبانی، حفاظتی، امنیتی و انتظامی توسط آنها (تبدیل مشارکت داوطلبانه به مشارکت وظیفه مندانه در میدانهای پرخطر)، غلبه فضای عادی شدگی، روزمرگی و سیطره عادت واره های مالوف، تشدید تمایل عموم به دنیاگرایی، مادی گرایی، رفاه جویی، مصرف زدگی، عافیت طلبی و آسایش خواهی (تحت تاثیر شیفت های بینشی، ارزشی، نگرشی، منشی و هنجاری)، کاهش مرجعیت شهدا و ایثارگران و الای مقام برای قشر جوان (بویژه به دلیل موقعیت یابی سلبریت ها در افکار عمومی)، رجحان یابی تدریجی واقع گرایی بر آرمان گرایی در افکار عمومی، ضعف عملکرد بسیاری از مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، افشای فسادهای ساختاری در بدنه نظام، ضعف کارآمدی نظام در تامین نیازها و ضرورت ها، ضعف عملکرد نهادهای آموزشی و تربیتی و عوامل جامعه پذیرکننده، ضعف اهتمام سازمانهای مذهبی و ارباب منابر به تذکار مستمر این سنخ ارزش ها و تقویت آنها، کمبود محسوس صاحب نفسان و شورآفرینان، ضعف در انتقال میراث معنوی شهدا، جانبازان، آزادگان و ایثارگران انقلاب و دفاع مقدس به نسل بعد، غلبه فردگرایی، غلبه عقلانیت ابزاری، تهاجم فرهنگی دشمن، خستگی ناشی از طولانی شدن زمینه ها و ضرورت های ایثارگری در سالهای بعد از انقلاب، مناقشات برخی تربیون داران داخلی در اصالت و اعتبار این روحیه به عنوان هنجار غالب و بلامنازع برای همه دورانها، مقطعی و موسمی تلقی کردن این حماسه آفرینی ها، فقر و بیکاری شایع (که ایثار مالی را قویا متاثر ساخته است) و...

بزعم من مهم ترین عامل از میان عوامل فوق، افول ارزشی جامعه و فاصله گرفتن تدریجی با اسلام انقلابی (یا تضعیف نظام فرهنگی و ایدئولوژیکی حامی و تقویت کننده خرده فرهنگ ایثار و شهادت)

۲) پیامدها و تبعات منفی تضعیف روحیه ایثار و شهادت برای جامعه چیست و مشخصاً در زمینه فرهنگ دینی چه تبعاتی به دنبال دارد؟ اگر در خصوص تأثیرات منفی تضعیف روحیه ایثار و شهادت بر مسائل امنیتی نیز توضیحی دارید، بفرمایید؟

تضعیف سرمایه معنوی جامعه (سرمایه ای که یک جامعه زنده و پویا برای تحقق اهداف و آرمان خود قویا بدان نیازمند است)، کاهش توان و ظرفیت روحی و معنوی برای رویارویی با بحرانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی؛ افزایش هزینه های ناشی از رفاه زدگی و عافیت طلبی جامعه (که جامعه در نتیجه کم رنگ شدن یا فراموشی این فرهنگ لاجرم بدان گرفتار خواهد شد)، افت ناشی از روزمرگی و غوطه خوردن در عادت واره ها و رویه های شرطی شده، محرومیت عموم از کمالات معنوی ناشی از این زمینه ها و دغدغه ها (برای مثال، ایثار در مال، که عموم افراد کم و بیش بر آن قادرند، زمینه رهایی انسان از بخل و شح نفسانی و سایر تعلقات روحی محدودکننده را فراهم می سازد)، افزایش تدریجی استعداد برای تأثیرپذیری بیشتر از فرهنگ ابتذال، تشدید فاصله میان نسل های متاخر با نسل های متقدم (حماسه سازان دوران انقلاب و جنگ)، کم رنگ تدریجی فرهنگ اسلامی و شیعی و تعالیم ائمه اطهار (ع) در جامعه، تضعیف حال و هوای ناشی از فرهنگ کهن عاشورایی (و تبدیل عاشورا و بازخوانی سالانه آن به یک روایت گری تاریخی و عاری از درس های آموختنی)، فاصله گرفتن تدریجی جامعه از بخشی از فرهنگ آرمانی و مورد اعتقاد خویش، ضربه پذیری جامعه در شرایط بحرانی و...

۳) بر اساس روند فعلی، آینده روحیه ایثار و شهادت در جامعه ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

به طور کلی، تجربه تاریخی بویژه سنوات بعد از انقلاب و به ویژه دوران دفاع مقدس نشان داده که جامعه به هر میزان که درگیر شرایط عادی و تجربه وضعیت های روزمره باشد، زمینه و آمادگی فکری، انگیزشی و اجتماعی کمتری برای همسویی با اقتضائات فرهنگ ایثار و شهادت را دارد، جامعه در شرایط عادی معمولاً احساس نیاز چندان به این ارزش ها و عمل بر طبق آنها ندارد (برای مثال، شهادت بدون ضرورت های محیطی و مطالبه گری اجتماعی، امکان تحقق ندارد؛ ایثار نیز اگرچه جامعه همواره و در همه حال به انواعی از آن (به استثنای ایثار جان) نیازمند است اما در شرایط عادی ممکن است به دلیل ظهور برخی سازمانهای اجتماعی، بخشی از ضرورت های محیطی آن از میان برود مثلاً ایثار مالی به مأموریت انحصاری سازمان هایی همچون کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و... تبدیل شود و به طور کلی، تحت تأثیر سازمانی شدن تدریجی جامعه و تفکیک وظایف و مسئولیت ها، افراد خود را از مشارکت در این عرصه ها معاف بیندارند).

احتمالاً این فرهنگ در آینده، در صورت عادی شدن روابط و غلبه روزمرگی به دلیل کاهش زمینه های طرح و جلوه نمایی تضعیف خواهد شد یا دست کم در برخی سطوح دستخوش تغییرات شکلی خواهد شد. (همانگونه که در قبل اشاره شد فرهنگ ایثار، ضرورت پایان ناپذیری برای جامعه دارد و هیچگاه نمی توان از آن بی نیازی جست؛ از این رو، کارگزاران

فرهنگی اجتماعی باید تدبیری بیاندیشند که این فرهنگ همواره زنده و بالنده در جامعه حضور داشته و در سطح عموم منشا آثار متناسب باشد.

جامعه ما به دلیل وضعیت های خاص و بعضا استثنایی مثل عمق استراتژیک فرهنگ دینی، غلظت احساسات و تمایلات عاشورایی، کشش های عمیق منجی گرایانه، روحیات انقلابی، اشتیاق وافر به عدالت خواهی و رفع یا کاهش فاصله های اجتماعی، دشمن ستیزی، تقابل آگاهانه با مظاهر انحطاطی مدرنیسم و فرهنگ مدرن، گریز از سبک های زندگی غیر اصیل و وارداتی و... همواره موطن مناسبی برای بقا و رشد و بالندگی کمی و کیفی این فرهنگ خواهد بود اگرچه ممکن است زمینه های محیطی برای جلوه نمایی و التزام عملی بدان در شرایط مختلف، متفاوت باشد.

۴) راهبردها و راهکارهای تقویت روحیه ایثار و شهادت در جامعه چیست؟ از منظر دینی و ملی توضیح بفرمایید.

برخی از زمینه های محیطی به دلیل غیر اختیاری بودن، قاعدتا مشمول برنامه ریزی نیستند (مثل ایجاد شرایطی که شهادت و ایثار جان را الزام کند) اما اقداماتی که تحت نام فرهنگ سازی می توان از آن سخن گفت از این قرارند: بازخوانی ادبیات دینی (آیات و روایات)، سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، سیره و مرام بزرگان و تربیت یافتگان مکتب اسلام، بازخوانی مکرر و عاری از تحریف فرهنگ عاشورا به زبان های مختلف، بازخوانی مکرر خاطرات دوران گذشته و حماسه آفرینی شهدا، ایثارگران و آزادگان (از طریق تولید و عرضه آثار فرهنگی قابل استفاده عموم)، بسط این فرهنگ از طریق الگوسازی متناسب با شرایط عادی (مثل ایثار در عرصه های سازندگی و کمک به نیازمندان، کمک به آسیب دیدگان ناشی از سیل، زلزله و کرونا)، ایجاد تشکلات مدنی و سازمانهای مردم نهاد برای بسط اقدامات ایثارگرایانه به صورت سازمان یافته و با بهره گیری از مشارکت داوطلبانه عموم، برگزاری همایش ها، نشست های علمی، کرسی های نظریه پردازی، سخنرانی ها و... برای کاوش ابعاد مختلف این فرهنگ و نحوه بهره گیری از آن در شرایط مقتضی، تولید و عرضه آثار فرهنگی متناسب با نیاز مخاطبان مختلف (کتاب، مقاله، پیام کوتاه، فیلم، سریال، انیمیشن، موسیقی، سرود، شعر و...)، ایجاد نمایشگاههای دائم و موسمی برای نمایش یادواره های شهدا و ایثارگران، نمادسازی متنوع و پویا از این میراث ماندگار مثل نصب تندیس ها و یادمانها در اماکن مختلف، انتقال این فرهنگ از مجرای کتب درسی و برنامه های آموزش رسمی، بهره گیری از ظرفیت هایی مثل اعزام کاروانهای راهیان نور، پاسخ دهی متناسب به ابهامات، سوالات و شبهات این حوزه و...